

ارتش وابسته حافظ منافع امپریالیسم است

برخلاف نظر سخنگوی دولت

کارگران ضد انقلابی نیستند

آقای امیرانظام معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت بر گشکنی با حمرنگاران که من آن در مطبوعات روز سند ۲۶ اسفند به چاپ رسد در بخشی از صحبت های خود کارگران را که در جهت دفاع از منافع ملی با تشکیل شوراهای کارگری حواستار نظارت و کنترل در امور کارخانه ها شدند، ضد انقلابی خواند. سینم ضد انقلاب کیست و چه کسانی ضد انقلابند.

عناصر سازشکاری که اکنون رسالت دفاع از منافع سرمایه داران وابسته و استقرار کامل سلطه محدود امپریالیسم را بر عهده گرفته اند، انقلاب بر سر طبقه یعنی طبقه کارگران را ضد انقلابی می نامند.

بقیه در صفحه ۸

برخورد یک کارگر اخراجی با وزیر کار

این نامه جنونگی بر پیوند گرفتن کارگران با وزیر کار، به زبان خودش، زبان یک کارگر ساده، کارگری مثل دهیاد و صد هاهزار کارگر دیگر که به علت کم کاری و تعطیل کارخانه ها اخراج شده است، کارگر که همراه با رفقایش با مش و سنگ و مسلسل به خیابان آمدند، شعار دادند، اعتصاب کردند، جنگیدند و خلاصه انقلاب کردند تا از وضع مستقر نار خود نجات پیدا کنند و به خواسته های برجسته شان برسند.

بقیه در صفحه ۶

بهاران خجسته باد

در سالی که گذشت، خلقهای قهرمان ما، در سربدی حماسه آفرین و ناآثار خون خود، دستانهای سپین را تکلیف ساختند. لاله های امسال خاطره سیدای خلق و امید خلقهای ستمدیده ایران را یکجا در خود نهفته دارند.

نوروز همه خلقهای ایران حجه نداد
بازمان به پیروزیهای ستر خلیفانمان.

در این شماره:

- ۱. کارگران سخن میگویند
- ۲. خواسته های خلق ترکمن
- ۳. بوطیک های جدید آمریکا
- ۴. اخبار کارگری
- ۵. ادبیات کارگری
- ۶. خواسته های کارگران از زبان خودشان
- ۷. اخبار شهر هاوروسناها
- ۸. عنوان ضد کارگری
- ۹. مشکل یک میلیون کارگر اخراجی
- ۱۰. اخبار خارجی (کارگری)
- ۱۱. عقرب عسوی عبیدی به ضد انقلاب
- ۱۲. خواسته های خلق کرد
- ۱۳. آقای نطف زاده آیا این امضاء شماست؟

مسئله ایجاد ارتش نوین انقلابی و انحلال ارتش ضد خلقی سابق در زمره مسائلی است که در رابطه با حفظ دستاوردهای انقلاب و مبارزه خلق بر علیه امپریالیسم و ارتجاع یکی از مسائل عمده است.

ما همیشه قاطعانه در پیوسته های خود تاکید کرده ایم که انقلاب نمیتواند به پیروزی برسد، مگر آنکه شیون فخرآباد دشمن، که ارتش سرکوبگر و ضد خلقی است درهم بشکند و بجای آن یک ارتش نوین انقلابی از خود خلق و بر سرل انقلابی ارتش از جانب حمرنگاران، درجه داران، همافران و افسران جزئی که، و با تکیه بر آگاهی و اراده خود، شهادت و شکر کنند. ما معتقدیم که ارتش ضد خلقی رژیم سابق، که در حقیقت ارتش است کدر رابطه با منافع و خواسته های امپریالیسم، شکل گرفته و ساخته شده است. بنابراین ارتش است که اساساً در پیروزی رژیم سابق امپریالیسم آمریکا، برای پی بردن به وابستگی ارتش سابق است که در نظریه سیر و وابستگی ارتش از دور و از زین کارآزمایی و در حقیقت، تا به امروز، نتوانیم عمق وابستگی ارتش را که در رابطه با رژیم سابق، بشکند و سرنگ کند.

بقیه در صفحه ۷

کارگران فصلی در اجتماعات شرکتند و عده های و زوات که نه خالی است

روزی که شب ۲۷ اسفند ساعت ۱۰ صبح وزارت کار شدند. نزدیک به ۲۰۰۰ نفر از کارگران سگا، داخل ساختمان افراد مسلح بودند شامل کارگران فصلی، از جمله داخل کسب و کارهای ساختمانی مختلف، و غیره که در داخل سالی شهرک اکیانان برای رسیدگی به خواسته هایشان در وزارت کار جمع شدند. ابتدا تکلیف در ورودی کارگران در حضور صدومی معاون وزیر کار و یک روحانی و یکی از مشاورین وزیر خواسته های خود را مطرح کردند.

یکی از مسئولان کارگران گفت:

حمله عناصر مرتجع به زنان آزاییخواه کرد



هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در سندانج طی بیانیه ای که شرح زیر منتشر کردند، بیرون رفته اند. از عناصر مرتجع و تنگ نظر را که به بقیه در صفحه ۷

سرمقاله: امپریالیسم آمریکا

دست از توپنه بر نمی دارد

امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته به آن، انقلاب خلقهای ستمدیده ما را تهدید میکنند. باقیام پیروزمندان مردم مبارز ما، امپریالیسم آمریکا مجبور به عقب نشینی موقتی شد و منافعش به خطر افتاد، در نتیجه اکنون توپنه های همه جانبه ای برای برقراری مجدد حاکمیت خود طرح ریزی میکند. منافع امپریالیسم آمریکا در ایران بقدری حیاتی است که با سادگی از آن دست برنمیدارد، و با روشهای مختلف و دسیسه چینی سعی میکند که ارتش ضد خلقی را باز سازی کند و محدودا از آن برای حفظ منافع امپریالیستی در سینه ما و در منطقه خاورمیانه استفاده کند. امپریالیسم و ایادی وابسته به رژیم سابق بر اساس اطلاع مانو پنه هائی را برای ایجاد اختلاف در صفوف یکپارچه خلق تدارک می بینند. اخیراً امپریالیسم آمریکا با بسیج و سازماندهی ۲۰۰۰ تن از مزدوران ساواک و وابستگان رژیم سابق تحت فرماندهی سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) دست به انواع تحریکات ضد مردمی و سابعده پراکنی و حمله مسلحانه به مردم زده است و کوشش میکند که با ایجاد وحشت، ذهن توده ها را مضموش کند. امپریالیسم و عوامل وابسته به آن نیروهای ارتجاعی را تحریک میکنند و تلاش میکنند که خواسته های دمکراتیک و به حق خلق های کشورمان را به گونه ای دیگر جلوه دهند و آنها را تجزیه طلب قلمداد کنند. بر اساس این سیاست، سیاست ضد مردمی امپریالیستی است که عوامل سیا و ساواک بقایای نیروهای دارو دسته با زانی به نام "قیاده - دولت" را در کردستان تحریک میکنند و به دسیسه چینی و توپنه گری علیه خلق کرد می پردازند. سازمان اطلاعاتی آمریکا و مزدوران تحت فرماندهی آن با استفاده از عناصر مرتجع زمینه را برای مضموش کردن اذهان مردم فراهم میکنند تا بتوانند "تصایح پدران" خود را در مورد لزوم تجدید سازمان و تقویت و تحکیم ارتش ضد خلقی برای سرکوب مردم منطقی و موجه جلوه دهند. آنها می خواهند مردم را در مقابل هم قرار دهند و جنگ داخلی راه بیندازند. و روی این اصلاست که حرکات حق طلبانه خلق ما را "تجزیه طلبی" قلمداد میکنند و مردم را به کمونیست و غیر کمونیست تقسیم میکنند، در صورتیکه مبارزات مردم ما و خلقهای جهان نشان میدهد که چه انقلابیون کمونیست و چه رزمندگان غیر کمونیست همواره دوشادوش هم بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی مبارزه کرده اند.

ما مطمئن داریم که مردم قهرمان ما با هوشیاری، توپنه های امپریالیسم را بی اثر میکنند و به ضد انقلاب فرصت نمیدهند که خود را باز سازی و تجدید سازمان کند. مردم ما بین خواسته های بحق خلقهای کشورمان و توپنه های سیا و ساواک خط مرز میکشند و آنها را از هم جدا میکنند. مردم ما در جریان مبارزه عملاً دریافته اند که تنها با وحدت و یکپارچگی همه نیروهای خلقهای میهنمان قادر خواهیم بود نهادهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم را نابود کنیم.

پس، با اتحاد و یکپارچگی
برای نابودی امپریالیسم و نوکرانش،
برای برقراری حاکمیت خلق،
به پیش!

کارگران سخن میگویند کارگران باید راه مبارزه را بیاموزند

یک رفیق کارگر در جلسات بحث آزاد کارگری میگفت:
" این همه در آمدیکه این مملکت داشته چه کسی بوجود آورده؟ آیا این کارگریکه این قدر زجر میکشد دلش برای این مملکت میسوزد یا آن سرمایه داریکه میلیارد ها تومان پول دارد و برای نمونه خانه یکی از آنها را توی تلویزیون دیدیم. کدام یکی دلمان برای مملکت میسوزد؟ آیا آنها ای دلان میسوزد که نادری به تخمه خوردن و پلاستان راجا میکشند و در میروند به مملکت هائی که آنها را تربیت کرده با ما کارگرها که سینه مان را جلوی گلوله سیر می کنیم؟ چرا ما که همه چیز را در این مملکت بوجود می آوریم و وحی در تمام دنیا چیزی نیست که کارگر و زحمتکش بوجود نیآورده باشد، چرا ما هیچ نداریم؟ آیا آن موقعیکه ما از تیر آهنهای اقیانوس بقیه در صفحه ۲

کارگران سخن می گویند:

بقیه از صفحه اول

باین و میمیریم یا زیر موتور میمانیم و میمیریم یا برق مارامیکشادین آقایان سرمایه دارها پشت ما هستند آیا آن موقعیکه بچه های ما میمیرند کسی هست درد ما را ببرد؟ پس چرا هرچه نکبت و بدبختی هست برای ما باشد و هرچه رفاه و آسایش است برای آن میلیاردرها باشد؟ آیا این زمین از روزاول بوده یا نبود؟ آیا کسی زمین را خریده؟ کسی زمین را بوجود آورده؟ فلان میلیاردر که صدهزار زمین دارد این زمین را از کجا آورده مگر این زمین نیست که ما زحمتکشها تویش کار میکنیم و حاصلش را میکشیم بیرون. پس او این وسط چکاره است؟ و یا کارخانه، شما که همه توی کارخانه کار کرده اید ببینید کارخانه را کی ساخته است کی جان داده برای کارخانه؟ من خودم شخصا حدود ۱۰ تا کارگر تا حالا دیده ام که جلوی چشم خود من مرده اند. چه در ذوب آهن چه در شرکت ترانس توی شمال که مال بنیاد پهلوی بود، چه کارگاههای دیگر. مگر غیر از این است که این کارخانه هاراما با مرگ خودمان و خون خودمان ساخته ایم؟ مگر غیر از این است که هر کدام از این ستونهارا که خواستیم ببریم بالا حداقل یادستمان قطع شد و یا چشممان کور شد، یا زمینگیر شدیم و افتادیم توی خانه. مگر ما نبودیم که این کارخانه هارا ساختیم پس این سرمایه دار اینجانبخش چیست؟ او از کجا پول آورده؟ مگر غیر از این است که من کار میکنم و بعد از روزی ۱۶ ساعت کار صنارسه شاهی به من پول میدهند و بقیه را میبرند توی جیبشان. او چه کار میکند که باید اینقدر درآمد داشته باشد؟ چرا به این سؤال من جواب نمیدهند؟

نمی گذارند آگاه شویم

دارودسته هائی در کارخانه ها پیدا شده اند که هر کسی حرفی بزند، بعنوان مخالف میریزند سرش. این واقعیتی است که خودم در گریزان هستم. در کارخانه ما، همان سرکارها ر دست نشاندگان سرمایه دار که دیروز زور میگفتند و بیک مشکلات و جفا تویش دورهم جمع شده اند، اینها وقتی که مردم مبارزه میکردند، خوب یاد ما هست که میگفتند، این کارها چیست؟ سرتان را ببندازید پائین و از این حرفها. حالا آمده اند یک کلت به کمرشان بسته اند و در قفای کارگر رارضه هم تحریک میکنند قبلا زیر فشار امپریالیست و ارتجاع فرصت نکرده نفس بکشیم حالا هم تا می آئیم حرف بزنینم میگویند فلانسی که حرفهای حساب میزند کمونیست است و مخالف دین و از این حرفها. ما کارگرها را به جان هم می اندازند، تا خودشان مثل قبل، دوباره قدرتی بدست بیاورند. در تانی همه خوب میدانیم که رژیم قبلی چقدر برضد کمونیست تبلیغ میکرد. حالا کار ساخت تر شده، می خواهیم آگاه شویم، بشناسیم و به دیگران بناسانیم، نمی گذارند، تحت عنوان کمونیست نمی گذارند.

ما کارگرها نمیتوانیم هر کدا به تنهائی برویم توی خیابان و داد بزنینم. البته اگر حقوق ما برداشته شود بصورت اعتراض و داد و بی داد و آخوش هم اگر مجبور باشیم بللسل (بسته به اینکه باجه کسی طرف باشیم) حقمان را میگیریم... منی این خصلت ماست که اول از طرف پائینش شروع میکنیم، اول نق زنینم و غرمیزنینم، فریاد میکنیم، آخر کارها را تعطیل میکنیم بعد می آئیم توی خیابان داد میزنیم و بعد آخر سترگ میبندیم و مسلسل بدست میزنیم. این سیر تکاملی ما کارگرهاست. ما جای یک سندیکار در دوروبر برمان الی میبینیم. وقتی که آجر می افتد روی سرمان و سرمان داغان میشود، یا بگوی این کی هست؟ معلوم نیست نه کارگری که آجر می اندازد بالا آتش دیده که چطور ببیند از دست توی سر کسی نخورد، و نه کسی که به داد آن بختی میرسد که سرش داغان شده. یا مثلا بخاطر اینکه برای ارتور آموزش نمی گذارند، یکبار توی ادیک تولید بتون که با هم کار میکردیم کارگری رفته بود و خوابیده بود که تمیز بکند ولی مسئول میدانست کوی دیگ کسی هست، شاسی اپراتور رازد و سیخک هائی که بتون رابه هم بزیند از چهار طرف رفت توی شکم کارگر. بخاطر اینکه مسئول باید یک وره شخصی را میدیده که ندیده، ولی کسی هم جلوش را نمیگردد. به تناد اینکه پسر فلان کار فرماست، دیپلم هم دارد، قشنگ هم هست و را گذاشته اند توی اپراتور. اما آن کارگر که سی سال است دارد کارند حالا توی دیگ از بین رفته. خانواده اش آمدند اینجا گریه و زاری بیچس گوش نداد. یک قران حقش را دادند؟ نه؟ اگر سندیکار بود اینطور می شد؟ نه. اگر نماینده فرمایشی نبود اینطور می شد؟ نه. پس ما نماینده میاهیم. حالا نماینده را باید بشناسیم باید این شناخت را پیدا کنیم. اگر میمیریم گرفته ایم زندگی بکنیم و نمیخواهیم فردا سر بگذاریم و بمیریم باید راه مبارزه را یاد بگیریم. باید نماینده را انتخاب کنیم و بفروست حرف بزنند. و هر وقت هم که عوضی شد بگذاریم کنار. بازیکی دیگر. خ راحت یک کارگر میتواند بفهمد که دوروبر خودش کی هست که جوش و خروش دارد، کی هست که دوستدار کارگر است و نمیرود با یک شربت یا با یک چائی میز کار فرما خودش و کارگرها را بفروشد، وقتی به جلو کباب دعوتش مید یادش نمیرود که توی کارخانه چی میگردد.....

خواستهای خلق ترکمن

گنبد - قطعنامه راه پیمائی از طرف کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن.

۱- هرگونه انحصار طلبی و تفرقه در صفوف متحد خلقهای تحت ستم را محکوم مینمائیم و آن را دسیسه های امپریالیسم و عاملانش میشماریم.

۲- ارتش خلقی برای حفاظت از منافع ملی و دفاع از دستاوردهای انقلاب از نیروهای انقلابی، سربازان، درجه داران و افسران جزء انقلابی و سازمان چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق تشکیل شود و کلیه پادگانها و پاسگاههای ضد خلقی به دست شوراهای انقلابی منطقه اداره شود.

۳- دادگاههای خلقی باید تشکیل شود و عمال ساواک و مزدوران رژیم قبلی مورد شناسائی و محاکمه قرار گیرند. همچنین عوامل کشتار ۱۲ دیماه ۲۰ بهمن ماه گنبد دستگیر و به مجازات برسند.

۴- تمام کسانی که در راس ادارات و سازمانها قرار میگیرند باید بشکل دمکراتیک و آزاد از طریق شوراهای انقلابی انتخاب شوند. هرگونه انتصابی را محکوم میکنیم.

۵- لغو بدهی ها و تعهدات مالی کارگران و دهقانان و پیشه وران و کارمندان به بانکها و موسسات دولتی.

۶- زمینهاییکه در دوران رژیم سابق از دهقانان غصب شده است باید بدون قید و شرط باز گردانده شود. ما خواهان یک اصلاحات ارضی و دمکراتیک هستیم.

۷- برای جلوگیری و جبران خانه خرابی کشاورزان اقدامات عاجل جهت حمایت از محصولات کشاورزی و دامی و بومی و ممانعت از ورود محصولات خارجی بنماید.

۸- تشکیل شوراهای روستائی و حمایت از قالی بافان و کشاورزان زحمتکش منطقه.

۹- ما از صیادان زحمتکش منطقه شدید حمایت کرده و خواستار تشکیل شوراهای صیادان از نمایندگان واقعی آنان برای احقاق حقوقشان میباشیم.

۱۰- ما خواهان آزادیهای فرهنگی، مذهبی و زبان خود و همچنین خواستار متشکل شدن مردم ترکمن صحرا تحت سیستم اداری واحد و مشترک به مرکزیت شهر گنبد میباشیم.

۱۱- خلق ترکمن خواسته های سایر خلقهای ایران منجمله خلق کرد را تأیید و از آنان پشتیبانی مینماید.

۱۲- شناسائی عاملین فاجعه ۱۹ اسفند ترکمن قلا و محاکمه آنان در دادگاه خلق.

۱۳- لغو کلیه کمیته های انقلاب اسلامی در منطقه ترکمن صحرا و سپردن اداره امور شهرها بدست شوراهای منتخب مردم.

۱۴- آموزش رایگان برای کلاسهای شبانه و تامین هزینه تحصیلی دانش آموزان روستائی.

۱۵- احداث بهداشتی و درمانگاهها.

درد بیه شهدای راه آزادی
نابوداد سازشکاران و تفرقه اندازان
هرچه مستحکمتر با دیپوند چریکهای
رزمنده انقلابی با زحمتکشان
برقرار باد حاکمیت خلق

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن



توطئه های جدید امپریالیسم آمریکا در منطقه هشدار است به انقلابیون

توطئه های جدید امپریالیسم آمریکا در منطقه هشدار است به انقلابیون امپریالیسم آمریکا که جانفشانی خلقهای ما را وادار به عقب نشینی موقت از یکی از سنگرهای اصلی اش در منطقه نموده است، دست از توطئه بر نخواهد داشت. امپریالیسم، با روشهای مختلف برای بازیافتن قدرت کامل خود کوشش می کند. و در تدارک توطئه هایی برای به بند کشیدن خلق قهرمان میهن ما است. از یک سو، در پوشش حفاظت از مرزها، بازسازی ارتش ضد خلقی، این عامل اساسی وابستگی راه هدف قراردادده و در این جهت تبلیغ می کند. از سوی دیگر، برای گسترش نفوذ خود در همه دستکهای اجرایی دولت، جهت حفظ منافع استعماریش به اشکال مختلف توطئه می چیند. امپریالیسم، از یک طرف با ایجاد تفرقه در صفوف متحد خلق برداشته، خواستهای دمکراتیک و برحق خلقهای میهنمان را تجزیه طلبی، شورش و بلوا و نامردمی کند. و از طرف دیگر، برای ایجاد حرکات و اقدامات تجزیه طلبانه ای که منجر به رویارویی مردم می شود، نقشه می کشد، و برای متشکل کردن عناصر وابسته به امپریالیسم و نفوذ آنان در صفوف خلق می کوشد. امپریالیسم و عمال آن، با دامن زدن به تضادهای عقیدتی و برهانداختن تبلیغات وسیع ضد کمونیستی سعی دارند اذهان مبارزین را منحرف کرده، جهت ضد امپریالیستی مبارزه را تغییر دهند. این توطئه ها، بیانگر این حقیقتند که باید هرچه زودتر دست امپریالیسم بطور کامل از کشور ما کوتاه شده و بساط آن در تمام زمینه های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی برچیده شود.

امپریالیسم، در پی فرصت مناسبی است تا نفوذ سرطانی خود را که هنوز ریشه های آن در جامعه ما وجود دارد دوباره گسترش دهد و از این راه موقعیت خود و عوامل ارتجاع منطقه را استحکام بخشد.

سفر کارتر، نمونه بارز این توطئه چینی، غلبه انقلاب خلق ایران و مردم ستمکش منطقه خاور میانه است. کارتر به منطقه آمده است تا برای سرکوب خلقهای قهرمان فلسطین و ظفار، توطئه کرده، منافع از دست رفته آمریکا را احیا کند. کارتر به منطقه آمده است تا ضد انقلاب را بر علیه خلق ایران سازمان دهد. تا شیخ ها و رؤسای ضد انقلاب منطقه و پولهای کلان آنها را برای سرکوب خلق مابه خدمت گیرد. در یک کلام، کارتر برای توطئه به منطقه آمده است. و این توطئه، مستقیماً در رابطه با منافع خلق ماصورت می گیرد. دولت های مرتجع منطقه که از جنبش خلق مابه لرنه افتاده اند، برای تقویت موقعیت خود بیش از پیش به آمریکا متوسل شده اند و امریکانیز برای احیا نفوذ همه آنها را تشویق به دخالت هرچه بیشتر در امور داخلی ما می کند.

تمام ارتجاع داخلی و ارتجاع جهانی، در خدمت امپریالیسم و به دستور آن، با تمام اشکال و با تمام وسایل، مشغول فراهم آوردن جنگی خونین بر علیه خلق ما هستند. مانور ناو هواپیما بر آمریکا در نزدیکی مرزهای ما، همزمان با ورود کارتر به منطقه، خود نمونه بارز این تهدید است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، به تمام نیروهای انقلابی خلق هشدار می دهد که در برابر توطئه امپریالیسم برای سرکوب خلقمان، هرچه بیشتر صفوف خود را متحد کرده. تدارک لازم را برای مقابله فراهم آورند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، تأکید بر ضرورت اتحاد همه نیروهای خلق ایران، اتحاد با همه انقلابیون منطقه را در جهت دفع امپریالیسم، ضروری می داند و پشتیبانی قاطعانه خود را از تمام جنبش های رهایی بخش - منطقه، اعلام می کند.

نابوداد توطئه های امپریالیسم و ارتجاع

پیروز باد جنبش رهایی بخش خلقهای تحت ستم منطقه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۵۷ / ۱۲ / ۲۴

اول ماه مه را هرچه باشکوهتر برگزار کنیم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از تمام سندیکاها و نمایندگان کارگران، سازمانهای انقلابی کارگری و سازمانهای دمکراتیک و ملی دعوت می کند تا برای برگزاری مراسم اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز کارگر با کمیته برگزاری "اول ماه مه" مستقر در سازمان چریکها واقع در خیابان بلوار خیابان فدائی (میکدهی سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق از ساعت ۲ تا ۴ بعد از ظهر، تماس بگیرند.



عوامل کارفرما

کارگر کارخانه کوراوغلو را شهید کردند

روز ۱۶/۱۲/۵۷ کارگران کارخانه کوراوغلو قزوین در اجتماع اعلام کردند که باید سندیکای واقعی کارگری تشکیل شود تا به خواستهای آنان تحقق بخشد. بدنبال این گردهمایی یکی از نمایندگان سندیکای فرمایشی زمان حکومت آریامهری به کمیته امام میرود و میخواهد که او را مأمور تشکیل سندیکای خود را خودش همچنان نمایند کارگران باشند. یکی از کارگران آگاه کارخانه کوراوغلو که

تحصن کارگران کارخانه پارس

از صبح روز ۲۲ اسفند کارگران کارخانه پارس (روغن نباتی) در محل کارخانه متحصن شدند. کارگران برای گرفتن حقوق و مزایا و سود ویژه مورد درخواست خود دست به اعتصاب غذای کردند. ساعت ۱۱ شب دو گروه از طرف کمیته امام و وزارت کار برای بررسی خواست کارگران به محل آمدند و قول دادند خواستهای کارگران تأمین شود. کارگران کارخانه شوقاژکار واقع

شهرستانها

اهواز - بیش از ۸۰۰ نفر از کارگران ماشین سازی پارس بعلت پرداخت نشدن حقوق بهمین ماه دست از کار کشیدند و در محل شرکت اجتماع کردند. کارگران همچنین خواستار دوروز تعطیل در هفته بودند. بر اثر پایبندی کارگران، شرکت با پرداخت ۲۵ روز حقوق عقب مانده آنان موافقت کرد و وعده داد که در مورد تعطیل پنجشنبه هانیز اقدام کند.

کارگران، برای بیکاریهای ما راه حلی پیدا کنید

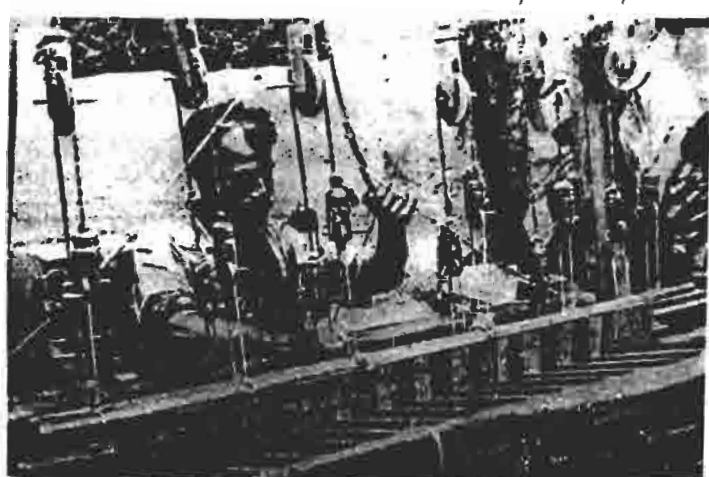
در روز جمعه ۱۸/۱۲/۵۷ کارگران چاپخانه هادرجله ایکه تشکیل داده بودند خواستهای خود را طی فطنامه ای اعلام کردند: مهمترین خواستهای آنان عبارت بود از: ۱- ایجاد صندوق بیکاری و وام شخصی. ۲- بازگشت کارگران بیکار چاپخانه ها به سرکار. ۳- نام نویسی از کارگران چاپخانه ها، گراور سازها و صحنای- های تهران. همچنین در این جلسه قرار گذاشته شد که روزهای سه شنبه هر هفته از ساعت ۶ بعد از ظهر در ماه کارگر جمع شوند.

خواستههای کارگران شرکت تی بی تی

- در پی اعتصابی که از جانب کارگران شرکت تی بی تی صورت گرفت، آنها خواستههای خود را اعلام کردند که قسمتی از آنرا ذکر میکنیم: ۱- ما خواهان آن هستیم که حق اشتغال دائم داشته باشیم و رسماً استخدام شویم. ۲- بعلت عدم رعایت مقررات بیمه پولهای ما باز پرداخت شود. ۳- باید قانون کار جدیدی نوشته شود و در مورد مانیز بطور کامل اجرا شود. ۴- باید شدت از اخراج کارگران بخصوص آنها که ناقص العوض میشوند جلوگیری کرد. ۵- ایجاد کمیسیون منتخب از کارگران که دارای قدرت اجرائی باشد و بتواند منافع کارگران را در برابر کارفرما حفظ کند. ۶- باید در مدیریت شرکت تجدید نظر کلی شود و کسانی که مدیریت انتخاب شوند که منافع ما را تأمین کنند.

شاهی - کارگران شرکت ساختمانی بانه برای دریافت حقوق و مزایای پرداخت نشده شان روز ۲۱ اسفند در محل شرکت متحصن شدند و خواستهایشان را در فطنامه ای اعلام کردند. روز بعد فرماندار ساهی قولهای مساعدی برای انجام خواستهایشان به آنان داد. تبریز - روز سه شنبه ۲۹ اسفند حدود ۲۰ نفر از کارگران اخراجی شیرپاستوریزه تبریز جلوی استانداری جمع شدند. و تصمیم گرفتند در محل کارخانه متحصن شوند.

ریسندگی، کار طاقت فرسا



کارگران ریسندگی و بافندگی از محرومترین کارگران ایران هستند. این کارگران در برابر ساعتها کار طاقت فرسا در سخت ترین شرایط که اغلب به بیماری واز کار افتادگی می انجامد، حداقل مزد و حقوق را دریافت میکنند. بسیاری از کارگران صنایع نساجی، کارآراز کارگاههای کوچک، در گوشه و کنار ایران شروع کرده اند اما در برابر توسعه صنایع وابسته، و از بین رفتن کارگاهها، به کارخانه ها کشیده شدند. کارخانه هائیکه شاپورها، وابستگان به دربار، یاسینی ها، فاتح ها و... خود رامالک آن میدانستند نادرستنج کارگران را چپاول کنند و خون آنان رامبکنند از آن جمله اند:

تبریز - کارگران بیستون سازی تبریز از روز شنبه ۱۹ اسفند دست به اعتصاب زدند و تا یکدک کردند تا زمانیکه سود ویژه وعیدی به آنان پرداخت نشود به سر کار برنخواهند گشت. کارگران نمایندگان برای مذاکره با مسئولین درباره تقاضاهای خود به تهران فرستادند.

تبریز - کارگران کبریت سازی توکلی برای پشتیبانی از تصمیم نمایندگان منتخب خود دست از کار کشیدند. نمایندگان در مورد اخراج دونفر از عناصر ضد کارگری با کارفرما به توافق رسیده بودند، ولی بعدا کارفرما از اخراج آنها خودداری میکرد که با اعتصاب کارگران، تسلیم نظریات آنان شد.

خلاصه اخبار

رشت - پس از پنج روز اعتصاب کارگران چاپخانه روزنامه بازار رشت، اداره روزنامه بدست شورای نویسندگان سپرده شد.

شاهی - روز دوشنبه ۲۲ اسفند کارگران شرکت بانه برای رسیدگی به وضعیتان در مقابل فرمانداری به تظاهرات پرداختند.

آمل - کارگران کارخانه "چین" روز دوشنبه ۲۲ اسفند به منظور رسیدگی به خواسته هایشان به تظاهرات وسیعی دست زدند.

کارگران کاورما را توقیف کردند

- ۵- پرداخت حقوق ایام بلاتکلیفی کارگران اخراجی. ۶- دخالت شورای کارگران در هزینه های زائد شرکت. ۷- دخالت شورای کارگری در قراردادهای منعقد شده با شرکتهای وابسته. از روز ۶ اسفند کارگران با شور انقلابی، کارفرما را در کارخانه توقیف می کنند که کمیته دخالت میکند و کارفرما را آزاد مینماید. در روز هشت اسفند کارگران مجددا کارفرما را توقیف میکنند و دخالت کمیته به نفع کارفرما در مقابل ایستادگی کارگران به نتیجه نمیرسد. تا بالاخره در ساعت ۱۳/۳۰ دقیقه با ماداد ۹ اسفند کارفرما مجبور به پذیرفتن پرداخت مطالبات کارگران و برگشت کارگران اخراجی بکار میشود. ۴- بازگشت کلیه کارگران اخراجی

سه کارگر در معن کشته شدند

در دودلوشان - در معدن سنگ درود واقع در ۲۴ کیلومتری لوشان بیکار دیگر در اثر بی توجهی ویی مبالاتی مسئولان امر سه نفر از کارگران در اثر گاز گرفتگی جان خود را از دست دادند. در این حادثه ۵ کارگر دیگر نیز، بیهوش شدند که به رشت انتقال یافتند.

هنر کارگری با «واقعیت» پیوند دارد

مادرشماره فل بعلت تراکم مطالب ناچار شدیم ستون ادبیات کارگری را حذف کنیم. با یوزش بسیار از این کوناهای و سیاستگرانی از استقبال شما، از این هفته مرئوساتونی بنام "ادبیات کارگری" خواهیم داشت که امیدواریم با همکاری شما پربارتر شود.

ادبیات کارگری یعنی چه؟

رفقای کارگر! مادرشماره فل در این باره صحبت کردیم که فرهنگ مسلط، یعنی فرهنگ طبقه ای که مسلط و حاکم است، با فرهنگ مقاومت و فرهنگ توده مردم یکی فرودارد و حتی در مقابل آن فرودارد. وسیع میکند فرهنگ مردم را هر چه بیشتر محدود و وحشی سرکوب و نابود کند. حالاً میخواهیم درباره تفاوتی این دو فرهنگ بخصوص در زمینه ادبیات بیشتر صحبت کنیم. در ادبیات هر طبقه و گروهی از مردم مسائل مربوط به همان طبقه، طرز تفکر و اعتقاد انسان، زبان خود آنها مطرح میشود و از مافوق آنها در مقابل طبقات و گروههای دیگر دفاع میشود. بنابراین کاملاً اشتباه خواهد بود که ما فکر کنیم ادبیات کارگری تنها یعنی ادبیات به زبان ساده. بعضی هافکر میکنند که چون اکثر کارگرها سوادشان کم است ما باید آثار ادبی را به زبان سادهتری بنویسیم تا بشود ادبیات کارگری. با اینکه فکر میکنند که همین ادبیات کارگری را اگر بتدریج به سطح بالاتری برسیم و مشکلات کم شود ادبیات روشنفکری و سنگین و اشراقی. اما این فکرها اشتباه است. هر کدام از این انواع ادبیات برای خودش چیز جداگانه است که هر چند هم شما آرا ساده یا مشکل کنید باز تبدیل به آن دیگری نمیشود و ربطی هم به آن ندارد.

ادبیات کارگری چه خصوصیتی دارد؟

مادرانجا شهنانه مهمترین خصوصیت این ادبیات اشاره میکنیم و دیگر خصوصیات آترانه بتدریج در آینده بررسی خواهیم کرد. مهمترین خصوصیت ادبیات کارگری و اصولاً هنر توده ای و مردمی پیوند نزدیکی آن با واقعیت و حقیقت زندگی است. دلیل آنهم ساده است. این کارگران و زحمتکشان هستند که کار میکنند و چرخ تولید جامعه را میچرخانند. بنابراین این هیچکس به اندازه آنها نمیتواند به واقعیت و حقیقت زندگی نزدیک باشد. دیگران گاهی آتعداد زندگی واقعی دور میشوند که آدم را به یاد صاحب منصبهای هالی مقام یک داستان معروف می اندازند (۱). این صاحب منصبها که تمام عمرشان را در یک اداره خدمت کرده بودند فقط بلد بودند بگویند "آرادت دارم، به سرمایه دار... و ووفسکه برای اولین بار گذارشان به دامن طبیعت افتاد و میوه هاومرغ و خرگوش و ماهی را در طبیعت دیدند به حیرت افتادند. یکی از آنها گفت:

"چه کسی تصور میکرد عالجیناب، که غذای روزانه انسان بصورت اصلی خود در هوا ببرد، در آب شنا کند، و بر درخت بروید؟" دیگری جواب داد:

"بلی باید اعتراف کنم من همیشه فکر میکردم قرص نان به همان شکلی بوجود آمده است که روی میز صبحانه می آید."

طبیعی است که ادبیات و هنر چنین افرادی هم بکلی با واقعیتها بیگانه است. در آن از "کار" که تکامل دهنده انسان و آفریننده همه چیزهای انسانی است یاد نمیشود یا حتی "کار" را تحقیر میکنند و پست میشمارند. ادبیات و هنر آنها بیشتر جنبه تفتنی، تصنعی و تجملی و تشریفاتی دارد. در حالیکه ادبیات و هنر زحمتکشان همیشه ساده و بی پیچیده است و در آن هر چیزیکه برای زندگی مفید است "زیبا" شمرده میشود. مثلاً در نظر یک روستائی آن گاویا سبزی است که قوی باشد و بتواند خوب بار بکشد و کار کند، نه گاوی که خوش خط و خال باشد یا سبکی فقط به درد مسابقه بخورد. برای او آن زنی زیباست که تندرست و پیرانزوی باشد، گونه های سرخ و بدن محکم و دستهای نیرومند داشته باشد و خلاصه برای کار تولیدی و زایشیدن فرزند آموادگی داشته باشد. نه آن زنیکه مثل عروسک ضعیف و شکننده و نازک نارنجی است (۲) زحمتکشان که همیشه با زندگی عملی سروکار دارند اجباراً به این نتیجه میرسند که با شناختن واقعیت این دنیای مادی واقعیت کار تولیدی بر مشکلات غلبه کنند و به همین علت هم الزاماً واقع گراییست هستند. (۳)

اما این واقعیت یک چیز ذهنی، مجرد، ثابت و لایتغیر نیست بلکه پدیده ایست تاریخی و اجتماعی. که تحت تاثیر بقیه امور و پدیده های دیگر دائماً در حال دگرگونی است. و تغییر پیدا میکند. پس ادبیات و هنر توده مردم هم باید تمام این جنبه های مختلف واقعیت را در خودش داشته باشد و منعکس کند. عالینترین شکل آن در هنر و ادبیات کارگری است که ما آنرا "رئالیسم سوسیالیستی" مینامیم و در آینده درباره آن بیشتر سخن خواهیم گفت.

- ۱- سالتکوف شچدین، قصه برای بزرگسالان صفحه ۴
- ۲- چرنیشفسکی، زندگی و جامعه شناسی به نقل از کتاب جامعه شناسی هنر آریان پور صفحه ۹۳
- ۳- آریان پور جامعه شناسی هنر همان صفحه.

از کارخانه به دانشگاه

از چرخهای کارخانه عبور میکنند
آنسو ترک
آفتاب نیامده مامیرویم
پهلوی به پهلوی
زانبه زانوی هم
باز در همان یکی
باتنهای خسته
از کار روز پیش
ماه پیش
سال پیش
و سالهای پیش
در حجم فلزی
که نفسها مان میگرد.
و آنجا
دوش بدوش هم
صیورانه...
نه...!
در اندیشه درمان دردها مان.
ایستاده ایم
و چرخ، چرخ، کارخانه
با چرخش دستها مان
میچرخد.
ما...
فرسوده میشویم
رگها مان کشیده میشود
و قطره، قطره های خون ما
از چرخهای کارخانه عبور میکنند
آنسو ترک
قطره، قطره های خون ما
در هیئت هر چه بینداری
در زیر سقفهای کهنه کارخانه
میماند.
آفتاب رفته است
که ما میگردیم
پهلوی به پهلوی
زانبه زانوی هم
باز در دهایمان یکی
و ذهنمان،
حول یک محور
همیای چرخش چرخهای
کارخانه
بیابگو، رفیق آگاه
درد مشترک
کار مشترک
فکر مشترک
خون مشترک
یعنی چه...
بیا...
برای من معنی کن
کمونیسم
یعنی چه؟
"رفیق علی"

بزرگداشت خاطره شهدای سیاهکل

بمناسبت ۲۶ اسفند هشتمین سالگرد شهادت ۱۳ نفر از رفقای سیاهکل مراسم از طرف خانواده شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ۵ ساعت بعد از ظهر روز ۲۶ اسفند در سالن ورزش دانشگاه صنعتی برگزار گردید.

((خواستهای کارگران از زبان خودشان))

در مملکت ما هر روز صدها مسئله و خبر کارگری اتفاق می افتد اما رادیو-تلویزیون هیچکدام از آنها را پخش نمیکنند. آیا مسئولان این دستگاهها به مسائل کارگران اهمیت نمیدهند؟ یا از این وحشت دارند که مردم با خواسته ها و هدفهای کارگران آشنائی پیدا بکنند؟

از کارگران "بتون بابک" درس بگیریم
من از کارگران کارخانه تولیدی "بتون بابک" هستم. در این کارخانه حقوق ما به تمامی زیر پا گذاشته شده بود و گوش هیچکس هم به حرف ما بدهکار نبود (حتی پس از پیروزی انقلاب). اما همبستگی و وحدت ما که "سازمان یافته" هم بود ما را بدون اینکه دست کمک به طرف کسی دراز کنیم به پیروزی رسانید. من به رفقای کارگر در کارخانجات دیگر توصیه میکنم که این شعار را فراموش نکنند که "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است". ضمناً یاد آور میشوم که کارگران "بتون-بابک" به تلاشهای خود برای رسیدن به خواسته های دیگر که جنبه سیاسی و اجتماعی دارد همچنان ادامه میدهند.

کارگران را بفهمد. این را کارهایی که تا الان انجام داده و حرفهایی که نماینده هایش (از جمله وزیر کار) گفته اند، نشان میدهد. من به رفقای کارگر توصیه میکنم که فقط متکی به خودشان باشند و روی حرف مقامات خیلی تکیه نکنند. ما کارگران تادشورای انقلاب و دولت نماینده نداشته باشیم نمیتوانیم به حداقل خواسته های خودمان برسیم.

در کارخانه ها کتابخانه بوجود آوریم
کتاب خوب و انقلابی یکی از بهترین سلاحهای کارگران است. اگر مطالعه نداشته باشیم نمیتوانیم تجربه های مبارزات کارگرها استفاده کنیم. بنابراین به همه رفقای کارگر پیشنهاد میکنم در کارخانه ها کتابخانه درس بکنند و با استفاده از "فرصت بر مطالعه" (که باید یکی از خواسته های کارگران برای کم کردن ساعت باشد) به مطالعه کتاب مشغول شویم. ضمناً میتوانیم با گرفتن کتاب از کتابخانه کارخانه در خانه خود هم مطالعه کنیم.

چرا رادیو تلویزیون به مسائل کارگری اهمیت نمیدهد

زیادی از کارگران ساختمانی که فصل کارمیکرده اند و بعضی از آنها ۱۰ سال سابقه کار دارند، اخراج شده اند. اخراج یک کارگر از برق تهران من محمد حسن پداله پور کارگر برق منطقه ای تهران هستم. در روزهای خونین انقلاب که کارگران برای دفاع از حقوقشان مبارزه میکردند ما اخراج کردیم. البته تنها من نیستیم که اخراج شده ام. ما خواهان بازگشت به کار و دریافت حقوق دوران بیکاری هستیم.

اخراج از کارخانه پارس مثال
سه ماه است که مرا از کارخانه پارس مثال اخراج کرده اند. اسم من "ابراهیم زینالی" است. میخواهم بدانم که آیا پس از انقلاب هم وضع ما کارگران باید بدتر از گذشته باشد؟

درد کارگر فقط کارگر میفهمد
تجربه به کارگران قدیمی نشان میدهد "درد کارگر را فقط کارگر میفهمد". رژیم گذشته که دولتش ضد انقلاب بود حرف کارگران را که نمی فهمید، هیچ، به آنها خیانت هم میکرد. دولت کنونی که خود را انقلابی میدانند باز هم نمیتواند حرف

بیکاری همچنان وجود دارد
من یک کارگر اخراجی از شرکت "شیمیکو" هستم که سه ماه است حقوق نگرفته ام. در حال حاضر دهها هزار کارگر، به اشکال مختلف بیکار هستند و ماههاست حقوق دریافت نکرده اند. برای عده ای، شاید این مسئله چندان مهم و حیاتی نباشد اما برای کارگران بیکار که با خانواده شان چند میلیون میشوند این مسئله مهمترین موضوع است. اقدامات انجام شده و حرفهاییکه مقامات میزنند نمیتواند این مشکل را حل کند و بیکاری همچنان بیداد میکند.

کارگران فصلی فراموش شده اند
ما گروهی از کارگران فصلی هستیم که در کارگاه یک شرکت باطری سازی وابسته به وزارت جنگ در "علیشاه عوض" ساوه کار میگردیم. در این شرکت چند کارشناس و مهندس آلمانی نیز کار میکردند. از وقتی خارجی هارفته اند، ما را نیز اخراج کرده اند. ما خواهان تشکیل سندیکای کارگران فصلی و بدست آوردن حقوق مادی و معنوی خود هستیم. همچنین در کارگاه پارک پرنس (شرکت آرمه) نیز گروه

کارگر!
آمدن عید مبارک باد!
کارگر! آمدن عید مبارک باد!
خاصه کاس عید بود شاد، دل ناساد
هر یکی سندرگاران را که کشود ایاری
نادی و حرمی آمد به مبارک باد
همتی باد و عزمی و تلاشی دیگر
تا که بسیم زهر سپهره کنی آرادت
کاخ خود کامگی از بسان بر کن و سوخت
حتم چون صاعقه و وحدت خون بولادت
گر که بناد بر آنگدی اگون یکی
سخت تر میشود آرزو گرگان بناد
گر سپهر کارگاه ایجاد کنی شورائی
لرزه آفند به دل دشمن از این اجدادت.
"چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است"
این گرامی سخن بر سر آریاد
سورور آمد، شام کهن ندر سراد
هر روز حسن عمر و سوار آور باد.
این عید مبارک است بر حمله خلق
بر کارگران ولی مبارک سراد.
و ما و ارشاعران دیگر
رفقای مبارز
پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را با دروس زیر ارسال نمائید:
فدائی (میکده سابق) ستاد تهران - خیابان بلوار - خیابان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران. تلفن: ۶۵۹۹۹۹

قطعنامه سربازان ترکمن

قطعنامه سربازان، درجه داران، و افسران وظیفه ترکمن در نشست روز سه شنبه ۱۵ اسفند سربازان، درجه داران و افسران وظیفه انقلابی ترکمن، طی یک تظاهرات در قطعنامه ای، همگامی خود را با دیگر برادران انقلابی - نظامی اعلام کردند. و همیستی خود را با صفوف خلق ابراز داشتند. در همین حال آنها ماهیت ضد خلقی ارتش مزدور را که در جهت منافع بیگانگان و مقاصد امپریالیستی ایجاد شده است، افشاء کردند. این گروه در پایان قطعنامه خواسته های خود را به شرح زیر به دولت موقت ارائه دادند:

- ۱- انحلال کامل ارتش ضد خلقی و برقراری ارتش خلقی. چون رژیم سابق وابسته به بیگانگان (امپریالیسم) ارتشی وابسته به وجود آورده و فرماندهان ارتش از طرف امپریالیسم تأیید شده اند، و در جهت منافع آنها عمل میکنند، بنابراین برای قطع کامل وابستگی خواستار برکناری و محاکمه خائنین ارتش و بخصوص امرای ارتش هستیم.
- ۲- از رفتن به پادگانها به این جهت خودداری میکنیم که با وجود

همان فرماندهان ضد خلقی و جلاد تامین جانی نداریم.

- ۳- پشتیبانی کامل خود را نسبت به قطعنامه هائی که توسط پرسنل انقلابی سراسر کشور صادر شده و در جهت خواسته های خلقهای ستمدیده است، اعلام میداریم.
- ۴- ما خواستار تسریع برقراری ارتش خلقی به کمک پیشتازان مسلح که همواره پشتیبان خلقهای تحت ستم هستند میباشیم.
- ۵- ما خواستار آنیم که حفاظت و پاسداری از انقلاب در منطقه ترکمن صحرا، بوسیله نظامیان ترکمن و پرسنل انقلابی مسلح بطور مشترک انجام گیرد. زیرا خلق ترکمن با تجربیات تلخ گذشته و دادن خونهای زیاد، آگاهی کامل و قاطع دارد که عوامل ارتش مزدور هیچگاه نمیتوانند حامی منافع آنها باشند. و حفاظت و پاسداری از جان و مال و ناموس مردم منطقه، تنها بوسیله فرزندان راستین آنها و سایر برادران انقلابی امکان پذیر است.

سربازان، درجه داران و افسران وظیفه انقلابی ترکمن
۵۷/۱۲/۱۵

حمله به نمایشگاه عکس دانش آموزان

خرمشهر - حمله به نمایشگاه کتاب نمایشگاه کتابی با توافق کمیته امام برگزار میشود. روز ۵۷/۱۲/۲۲ عده ای به آن حمله میکنند و نمایشگاه را به هم میزنند. ۳۰۰ دانش آموز در ساختمان آموزش و پرورش خرمشهر متحصن میشوند.

شهر کرد - تشکیل دفتر هماهنگی فدائیان.

طی سخنرانی یکی از رفقای فدائی در جمع هواداران دفتر هماهنگی سازمان چریکهای فدائی خلق در شهر کرد اعلام شد. عده ای در پوشش اسلام دست به اخلاص زدند و یکی از مجاهدین طی صحبتی این شیوه را مردود شمرد.

شیراز - تحصن دانش آموزان دبیرستان ستان عشایری.

گروهی از محصلین دبیرستان عشایری متحصن شدند. خواست آنها استغای مدیریت آموزش و پرورش بود. شب سوم تحصن گروهی عوامل ناشناخته به آنها حمله میکنند. محصلین تحصن خود را به دانشکده مهندسی منتقل میکنند. در اینجا افراد مسلح کمیته امام به محل آمده با پرکردن تفنگهای خود جمعیت را متفرق میکنند!

خلاصه خبر
به قرار اطلاع رفتگران و کارمندان شهرداری بابل بخاطر اعتراض به عقب افتادن حقوق خود در روز چهارشنبه ۵۷/۱۲/۲۳ در شهرداری بابل بست نشین شدند و قطعنامه ای خواسته های خود را اعلام کردند. شهرستانها آبادان - کارگران ساختمانی فصلی، سندیکای خود را تشکیل دادند و ساختمانی برای سندیکا گرفتند. روز ۲۲ اسفند دومین جلسه برای سندیکا تشکیل شد. این سندیکاه ۷۰۰ نفر کارگران این صنف را در بر میگیرد.

باز هم حمله عناصر مرتجع در گرگان عناصر مرتجع باردیگر به نمایشگاه عکس و کتاب که گروهی از هواداران سازمان تشکیل داده بودند حمله کردند. این تهاجم بعد از ظهر چهارشنبه ۲۴ اسفند در حالیکه یک روز از افتتاح این نمایشگاه میگذشت انجام گرفت. این دومین بار است که عناصر مشکوکی در گرگان به نمایشگاه عکس شهادت میزنند. بار اول در دو هفته پیش به مدرسه عالی منابع طبیعی گرگان، حمله شده بود.



اعلام جهاد علیه انقلابیون

بدنبال راهپیمائی صبح سه شنبه ۲۲ اسفند کارگران و دهقانان و مردم شهر بوکان که بمنظور رسیدگی به وضع بیکاری و دفاع از حقوق زحمتکش صورت گرفت یکی از روحانیون بوکان بر علیه دفتر هواداران چریکهای فدائی خلق اعلام جهاد کرد و ریختن خون انقلابیون کونیست را "خلال اعلام نمود" عده ای از عناصر ناآگاه تحت تأثیر این فتوای ضد انقلابی، به دفتر هواداران چریکهای فدائی خلق حمله برده، شیشه هارا شکسته و وسایل درون ساختمان راه هم

سربرد. رفقای انقلابی و مردم مبارز ساعت سه با تعداد باکوتس پیگیر موقی سدید مهاجمین را از ساختمان بیرون کنند.

در اثر این برخورد ها دانش آموزان به پیشنهادی از هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق مدارس را تعطیل میکنند. بازاریان به عنوان اعتراض به این فتوای ضد انقلابی مغازه هارا میسند و مردم به امام جمعه اعتراض میکنند که حرادر عوض جهاد به انقلابیون، نه ارتجاع و امپریالیسم اعلام جهاد نمیدانند!

زمین های ارباب دوباره باید تقسیم گردد

اخبار روستائوسی
اهالی ۱۲ روستای تیکان تپه (تکاب) بوکان ارتعاص دهقانان این منطقه دعوت کرده اند تا بمنظور رسیدگی به وضع کشاورزی و بیکاری و نداشتن درآمد، اجتماعی تشکیل دهند و با تاکید بر اینکه دولت کونیست به خواسته های مردم کردبی توجه است مهمترین مسائل خود را در این اجتماع مطرح نمایند. این اجتماع صبح سه شنبه با پیشیایی مردم شهر انجام شد. اما متأسفانه عده ای از عوامل وابسته به ارتجاع، در صدد برهم زدن صفوف راهپیمان برآمدند. اما نتوانستند مانع از انجام راهپیمائی شوند. دهقانان در پایان راهپیمائی خواسته های راطی قطعنامه ای به شرح زیر فرات نمودند:

- ۱- ما خواهان کار و ایجاد کارخانه در منطقه کردستان برای خوش نشینان و کشاورزان بیکار هستیم.
- ۲- ما خواهانیم که ارباب به اندازه یک کشاورز متوسط، زمین در اختیار داشته باشد. بقیه زمینهای ارباب در بین خوش نشینان تقسیم شود.
- ۳- ما خواهان خود مختاری کردستان در چهارچوب ایران با رهبری مذهبی زعیم عالیقدر حضرت شیخ عزالدین حسینی هستیم.
- ۴- ما خواهان لغو اجاره زمینهای اصلاحات ارضی و قرض شرکت تعاونی و بانکهای کشاورزی هستیم.
- ۵- ما خواهان ایجاد مدرسه، بهداشتی، برق، راه، حمام، لوله کشی در دهات هستیم.
- ۶- ما خواهانیم که بنگاه ماشینیهای کشاورزی ایجاد شود. تا ما جاندار اختیار روستائیان قرار گیرد.
- ۷- ما خواهانیم که کود و ابزار اصلاح شده با قیمت بسیار پائین در اختیار کشاورزان قرار داده شود.
- ۸- ما می خواهیم که نماینده های واقعی روستائیان در مجلس شرکت نمایند تا از حقوق روستائیان دفاع کنند.

زمین های اربابان باید تقسیم شود.

شهر کرد - دهقانان شهر کرد طی قطعنامه ای خواسته های خود را اعلام کردند. مهمترین این خواسته ها به شرح زیر است:

۱- تقسیم زمین های انحصاری بین کشاورزان بی زمین.

- ۲- تشکیل شوراهای دهقانی.
- ۳- ساختن راههایی در مناطق کشاورزی برای حمل محصولات کشاورزی.
- ۴- ایجاد شرکتهای تعاونی تولید و مصرف واقعی.
- ۵- وامهای مخصوص کشاورزان و دامپروران.
- ۶- در اختیار گذاشتن متخصصین کشاورزی، وسائل مکانیزه کشاورزی و کود

روستائیان "تنگابن" و رحمت آباد از توابع شهرستان رودبار روز جمعه ۱۸ اسفند در دبستان روستا اجتماع کردند. در این اجتماع روستائیان وضعیت زندگی فلاکت بار خود را شرح دادند دهقانان اعلام داشتند تا شورای روستا

بذرا اصلاح شده. ایجاد مراکز مجهز دام پزشکی ثابت و سایر. تقسیم اراضی توسط دهقانان زاغ مرز و اسلام آباد طبق اخبار رسیده، کشاورزان روستاهای زاغ مرز و اسلام آباد در اطراف به شهر با اقدام انقلابی و برحق خود زمینهای شاهپور غلامرضا را که در حقیقت متعلق به خود آنها بود بین خود تقسیم کردند. اما متأسفانه افراد ی بنام کمیته امام به محل آمده و دهقانان را از زمینهای بیرون کردند.

تشکیل ندهند و دامور مربوط به خود مستقیماً دخالت نکنند. مشکلات آنها حل نخواهد شد. در این اجتماع کشاورزان شورای روستا از بین خود انتخاب کردند و خواسته های خود را در ۱۰ ماده اعلام داشتند.

لغو همه بدهی های کارگران و دهقانان

دربیک راهپیمائی که با ابتکار کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن صورت گرفت قطعنامه ای صادر شد. خلاصه قطعنامه بشرح زیر است:

- ۱- محکوم کردن هرگونه انحصار طلبی.
- ۲- ضرورت تشکیل ارتش خلقی برای حفاظت از منافع ملی و دفاع از دستاوردهای انقلاب.
- ۳- تشکیل دادگهای خلقی برای محاکمه و مجازات اعمال ساواک و مزدوران رژیم سابق.
- ۴- ایجاد شوراهای انلابی و محکوم کردن هرگونه انتصاف، سپردن اداره امور شهر به ست

شوراهای منتخب مردم.

- ۵- لغو بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان به بانکها و موسسات دولتی.
- ۶- زمینهای که در دوران رژیم سابق از دهقانان غصب شده است، بدون قید و شرط به دهقانان بازگردانده شود.
- ۷- تامین آزادیهای فرهنگی مذهبی و زبان و متشکل شدن مردم ترکمن صحرات تحت سیستم اداری واحد و مشترک به مرکزیت شهر گنبد.

شیوه های پلیسی دوباره باز میگرد

افراد مرتجعی تحت بان کمیته امام به خانه های مردم مله بردند و کتابخانه های میاندوآب به آتش کشیدند. در مراسم نی چهارشنبه سوری که توسط هم میاندوآب برگزار شد بدنبال انار یک ترقه افراد مسلح کمیته امام به سوی مردم تیراندازی کردند که به کشته شدن یک نفر و زخمی شدن نفر دیگر رسید. بدنبال این حادثه هم شهر برای اعتراض به طرف که حرکت کردند. اما پسر آیت، وحیدی از درون کمیته به طرف مردم تیراندازی کرد و چند نفر مو اصابت گلوله قرار گرفتند. مردم مبه که از این عکس العمل رهبران کم

خشنگین شده بودند کمیته را خلق سلاح کردند و اعلام داشتند: ما به این کمیته احتیاج نداریم. ما موران کمیته که خود را در روی مردم دیدند دست به عوامفریبی زدند و تحت عنوان مبارزه با کمونیسم، طبق شیوه های گذشته ساواک دست به خانه گردی زدند و خانه یکی از عوا انقلابی را با تانک مورد حمله قرار دادند و سپس به خانه های دیگر پرورش بردند و خانواده های افراد مبارز را مورد ضرب و شتم قرار دادند. این عناصر مرتجع پنج کتابخانه شهر میاندوآب را به آتش کشیدند و ۱۱ نفر از هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را دستگیر کردند.

• يك كارگر، قوانین ضد کارگری همچنان باقی است

این روزها مسئولان و مقامات دولت موقت در مصاحبه‌هایشان همهجا صحبت از "بازسازی و ترمیم و اصلاح" سازمانها و قوانین موجود میکنند. اگر کسی تازه به ایران آمده باشد خیال میکند در این مملکت هیچ اتفاقی نیفتاده. مقامات گاهی از این هم فراتر می روند و به مقررات و قوانین رژیم سابق استناد میکنند، که نمونه‌اش هم فراخواندن پرسنل غایب ارتش است که گفته شده چنانچه خود را معرفی نکنند "مطابق مقررات با آنها رفتار خواهد شد". وزارت کار هم در چند مورد با زبان "قانون کار رژیم سابق" با کارگران حرف زده است.

البته خواست مردم ما در برابر آنها طبقه کارگر، چیزی غیر از این است. امروز صحبت کردن از بازسازی و اصلاح قوانین سازمانها، قوانین و سازمانهایی که تا مفرز استخوان بوسیده‌اند درست بمعنی نادیده گرفتن خونهای ریخته شده و پشت کردن به خلق مبارز است. این سؤال مطرح است که آیا قوانینی که بوسیله مزدوران و تنها بخاطر استثمار هر چه بیشتر زحمتکشان تدوین شده میتواند بعد از انقلاب هم ملاک عمل باشد؟ آیا اصلاح و ترمیم این قوانین میتواند دردی را دوا کند؟ مردم همانطور که به رژیم "نه" گفتند به این سئوالها هم جواب منفی میدهند، چرا که خوب میدانند قوانینی در گذشته تدوین شده اند ضد کارگری هستند.

ما همه میدانیم وزارت کار همیشه یکی از مراکز سرکوب رژیم و مرکز توطئه‌های ضد کارگری بوده. در طول سالهای گذشته کسانی که به مقام وزارت کار رسیده‌اند عاملین خود فروخته دستگاه و سرسپردگان سرمایه داران وابسته به بیگانه بودند. بیشتر آنها بعد از گذراندن این دوره به مقام نخست وزیری و دبیر کلی حزبهای فرمایشی رسیده‌اند، مثل "جمشید آموزگار"، "حسنعلی منصور"، "مهندس هوشنگ انصاری"، "عطاءالله خسروانی"، "عبدالمجید مجیدی"، "امیر قاسم معینی" و "منوچهر آرمون" (این افراد در ۲۰ سال گذشته به ترتیب وزیر کار بودند).

بدیهی است قوانین کار و کلیه مقررات کارگری که بانظر این افراد خوش سابقه و مشاورین داخلی و خارجی آنها (از جمله ساواک و سیا) تنظیم شده و به تصویب مجلس فرمایشی رسیده، در برگیرنده منافع سرمایه دارهای وابسته و کارفرماها بوده. سهم کارگران از این قوانین اطاعت بی چون و چرا از کارفرما و تهدید شدن به اخراج و جریمه و شدت عمل بوده.

قانون کار به کارگر به چشم یک برده نگاه میکند که در مقابل عرضه نیروی کار خودش مبلغی پول دریافت میکند، بی آنکه صاحب حقوق دیگری باشد. قانون کار، کارگر را "مزدور" تعریف میکند و او را به عنوان نیروی مولد کار، بلکه به مثابه ابزار کار تلقی میکند. قانون کار حقوق کارفرما را تا آنجا بالا میبرد که حق باخريد و با اخراج کارگر را (در برابر پرداخت مبلغی پول) به رسمیت می‌شناسد...

هفت سال پیش شورای عالی وزارت کار حداقل دستمزد برای کارگرهای صنایع مختلف از جمله قندسازی، سیمان، روغن نباتی و مونتاز رادیو تلویزیون هشتادریال تعیین میکند (روزنامه اطلاعات ۲۰ / ۹ / ۵۰) راه دورنرویم، همین دو سال پیش مقررات انضباطی، تخلفات کارگرها را به این شرح اعلام کرد و مجازات چنین تخلفاتی را اخراج و جریمه دانست:

"غیبت به مدت حداکثر سه روز، اخراج در امور کارگاه، استعمال دخانیات در محلهای ممنوع، خوابیدن در محل کار موقع انجام وظیفه، ایجاد هیاهو و سروصدا و بی نظمی در کارخانه، بی حرمتی به مافوق، سرپیچی از دستورات مسئولان انتظامی هنگام ورود یا خروج از کارگاه... (روزنامه کیهان ۶ / ۱ / ۵۶). آری، کارگران مادر چنین شرایط فاشیستی کار میکردند و در حال حاضر هم با وجود همان قانون کار و همان شرایط بکار مشغولند. اما کارگران دیگر نمیخواهند اجازه نمیدهند این شرایط تکرار شود. اگر در بعضی کارخانه‌ها هنوز شرایط گذشته وجود دارد، دبیری نخواهد گذشت که همبستگی و تشکل کارگران این شرایط را هم عوض کند. در چنین موقعیتی که نیروهای انقلابی توانائی خود را با شرکت فعال در مبارزات انقلابی به اثبات رسانده‌اند و راه هر نوع سازشکاری و اصلاح طلبی را بسته‌اند صحبت از بازسازی قوانین و استناد به آنها (حتی اگر جنبه موقت داشته باشد) محکوم است و عملی ضد انقلابی است.

کارگران ما "مهر باطلی" را که بر رژیم شاه و عواملش زده‌اند بر قوانین و مقررات او هم کوبیده‌اند. اگر کسانی بخواهند "این مهر باطل" را نادیده بگیرند و مستقیم یا غیر مستقیم صحبت از حاکمیت قوانین گذشته یا بعضی از قسمت‌های آن کنند، کارگران و زحمتکشان را در برابر این سؤال قرار میدهند که آیا کوبیدن "مهر باطل" یکبار دیگر ضرورت دارد؟

دربارهٔ اخراج شانمن

درباره اخراج شانمن مردمی که با مبارزات خونین و قهرمانانه خود طومار خودکامگی ۲۵۰۰ ساله را درهم پیچیدند، اکنون نگران حفظ دستاوردهای این مبارزات هستند. متأسفانه دولت نیز با بی اطلاع نگاهداشتن مردم از مسائل پشت پرده بسه این نگرانیها دامن میزند. اخراج شانمن از ایران تحت این عنوان که او جاسوس "سیا" بوده است وبدون توضیح بیشتر و کاملتری در این باره، یک نمونه از این مسائل است. ما در اینجا نمیخواهیم از شانمن یا هیچکس دیگر دفاع کنیم، اما حق داریم سئوالی را که برای همه مطرح شده در اینجا عنوان کنیم و از دولت بخواهیم به آن پاسخ بدهد: اگر شانمن عضو سیا بود و از جانب سیا ماموریتهایی در ایران داشت، چرا فقط به اخراج او اکتفا شد؟ آیا مامورین سیا نباید در اینجا محاکمه و مجازات شوند؟ و آیا بهتر نبود شانمن و سرهنگ توکلی هر دو در دادگاهی علنی محاکمه میشدند تا برای مردم حقایق روشن شود و آنکسی که خائن و جاسوس است به مجازات برسد؟

اخراج بی سروصداي شانمن و توضیح مبهم و کوتاه دولت بد گمانیها و سوءظن‌های بیشتری را در مورد آنچه که رپشت پرده میگردد بوجود آورده است.

مشکل يك ميليون كارگر اخراجی راه حل انقلابی میخواهد

کار... "حرفی راقطع کردم و گفتم آقای فروهر به تو ایمان ندارم. بفت چرا؟ گفتم آقای شاهپور بختیار نخست وزیر گشته رفیق تو بود. هم جبهه تو بود. سابقه سیاسی اش، زندانی کشیده بود، به ما خیانت کرد. بطور من و یاد دیگر کارگران میتوانیم بتو اطمینان کنیم. که ناگهان چهره اش باصدائی گرفته گفت. آره تو راست می گویی بعد تلفن زد مدیرکل روابط کار آقای خرسندی آمد دفترش و گفت امری بود؟ در جواب او گفت آره هر چه زودتر بنویسید که ایشان برود سرکارش من نامه را با شتم و در روز بعد یعنی یکشنبه بسه کارخانه رفتم... نامه را نشان دادم. رئیس کارخانه درجه نامه گفت: ما از ورود توبه کارخانه جلوگیری کنیم ولی از ما نباید پول بخواهی". در جوابش گفتم "من برای اینکه گرسنه نامنم میخواهم کار کنم. بی گوئی پول نمیدهم؟ پول ندارم؟ بطور بولاری ماهی ۲۸ هزار تومان خودت برداری ولی پول نداری به ما کارگران بدهی؟ ما کارگران هستیم گوهستی. ما کارگران هستیم که سرمایه داران هستند. ما نباید شماها از کجا میخورید؟ بر صحبتهایی تصمیم گرفتم در اطاق رئیس کارخانه نام تابه دردمار رسیدگی بکند. مدنی آنجا ماندیم بگرانی که کار میکردند از کارخانه رفتند و باز مادر آنندیم تا اینکه یکی از مهندسين گفت بنظر من روز شنبه ۱۵ اسفند نماینده کارفرما و رئیس کارخانه ما کارگران به وزارت کار بروید و مشکلمان را آنجا درن بگذارید.

ترک کرد. من که فاصله زیادی با او داشتم به طرفش دویدم تا خودم را به او نزدیک کنم. در اطراف او عده‌ای آدمکهای چاپلوس بودند که مرا گرفتند. باز با تقلائی زیاد توانستم به جلوی بروم. هنگامیکه به او رسیدم جلوی درب سالن ۱۷ شهریور بود که فریاد زدم. "آقای فروهر یا زوری جسمم بگذر، یاد دوساره به سرکارم باز گردان" که او لبخند زان گفت "تو شوخی میکنی" این بار یقه اش را گرفتم، فریاد زدم. نه... نه... به خدا قسم که واقعبت را میگویم، من شوخی نمیکنم. "باز من را گرفتند به عقب بردند که دوباره تقلا کردم و به کمک کارگران و دانشجویها از جنگ آدمکهای چاپلوس فرار کردم و به جلوی آس-اسور رفتم و جلوی اشتمادم و گفتم "آقای فروهر من گرسنه هستم، من کار میخواهم، من پول مفت نمیخواهم" و این بار دید که نه، من شوخی نمیکنم "گفت بیابرویم توی اطاق" در جوابش گفتم "تنهایی نه، باید همه ما بیائیم، باید همه ما به سرکارمان برویم که دیگر وارد آسانسور شدیم و به اطاقش رفتیم. دو تائی روبروی هم نشستیم. گفت کجا کار میکنی؟ گفتم شرکت شمیگو. گفت کجاست؟ گفتم جاده قدیم کرج. گفت چند کارگر اخراجی دارید؟ گفتم حدود ۸۵-۸۰ نفر. گفت در حال حاضر کارخانه کار میکنی؟ گفتم بله گفت چند تا کارگر دارند کار میکنند؟ گفتم حدود ۱۵ الی ۲۰ نفر اضافه کردم که از کارمندان و سرپرستها و مهندسينی که اضافه بودند کسی را بیرون نکوندند. گفت "به من اعتماد کن و به من ایمان داشته باش که

تک و پراکنده قادر نخواهد بود آنها را به خواسته‌های واقعبشان برساند. تنها وحدت، تشکل و همبستگی است که میتواند آنها را در برابر یس گرفتن حقوقشان یاری نماید. متن اصلی

روز شنبه گذشته با جمعی از کارگران اخراجی به وزارت کار در آریزنه‌هاور رفتیم. حدود نیم ساعت بعد از آن آقای فروهر وزیر کار به جمع ما پیوست. بعد از صحبت های چندین نفر از کارگران مبارز، فروهر شروع به صحبت کرد که راجع به کارگران اخراجی صحبت کرد. وی گفت مقداری وام در اختیار ما گذاشته اند که میخواهیم در اختیار کارگران اخراجی بگذاریم که من از گوشه ای بلند شدم و فریاد زدم. آقای فروهر ما گدائیسیم و بعد با همهمه کارگران و دانشجویان روبرو شدیم و پس از اندکی همهمه فروهر فریاد زنان گفت ما سندیکا و شورا‌های کارگری را ایجاد میکنیم. بعد از مدتی حرف زدن در مورد آن، به موضوع دیگری اشاره کرد و گفت من بسا ورود دانشجویان به کارخانه ها و رفتن آنها به درون کارگران و راه انداختن بحث های ایدئولوژیکی مخالفم اضافه کرد که خود کارگران آگاه هستند... که من باز فریاد زدم نه، ما کارگران آگاه نیستیم، اگر آگاه بودیم این به روزمان نمی آمد.

که با فریاد "کارگر، دانشجو، بیوندنان مبارک" روبرو شدیم و بعد از آن آقای فروهر فریاد زد "موقع شعار دادن نیست، موقع عمل است" که سپس سالن را

جامه عمل بیوشانند. اما متأسفانه می بینیم که این کارگران نه تنها هنوز به چیزی نرسیده اند بلکه آنچه را هم که قبلا داشتند از دست داده‌اند و دیگر آن نان بخور و نمیر را هم ندارند. این کارگران بیش از هر چیز محتاج یک راه حل انقلابی هستند.

هیچ عذری از کارفرما پذیرفتنی نیست. کارگران باید قاطعانه و مصمم حقوق از دست رفته خود را از حلقوم کار فرما بیرون بکشند. بقول یکی از کارگران بطور وقتی کارخانه دایر بود و میلیون میلیون کار میکرد کارگر سهمی نداشت اما حالا باید خسارت کارخانه را جبران کند؟ این چیزی نیست که بایک دستور العمل یا یک "حسب الامر" بی پایه جناب وزیر به نتیجه برسد. تازه آنها فقط برای یک کارگر، فقط برای کارگری که با شخصیت و اراده آهنین خود وزیر کار را به صلابه میکشاند. هر چند که پادرمیانی و توصیه وزیر در این مورد کوچک هم بکار نمی آید، امضایش به لعنت خداهم نمی آرد و کارفرما دوباره کارگر اخراجی را به وزارت کار پاس میدهد. شاید به نتیجه نرسیدن این کار برای این رفیق کارگر درس دیگری باشد و تجربه بهتری هر چند که او عملاً به تجربه دست یافته بود و میدانست به تنهایی نمیتواند به خواستش برسد، او تاکید داشت "باید همه به سر کار برویم" اما متأسفانه توصیه وزیر را پذیرفت و به دنبال راه حل فردی کشیده شد. همه رفقای کارگر باید بدانند که برخورد های فردی، تک

همهٔ مستشاران خارجی باید اخراج گردند

ارتش وابسته حافظ.....

این ارتش ضد خلقی که بنیانگذار آن رضاخان بود در جهت حفظ منافع امپریالیسم مسلط آن زمان یعنی امپریالیسم انگلیس شکل گرفت و نقش ضد خلقی خود را در دوران دیکتاتوری سیاه رضاخانی ایفا کرد. همین ارتش بود که در سرکوب خلقهای آذربایجان و کردستان و دره ۳ تیر هزاران نفر را قتل عام کرد. همین ارتش بود که به دستور امریکا و انگلیس حکومت ملی دکتر مصدق را سرنگون کرد و برای یک دوران ۲۵ ساله با سرنیزه های خود نه تنها خلق ما، بلکه خلق منطقه را سرکوب کرد. هنوز سرکوب مبارزه مردم در ۱۵ خرداد ۴۲ و قتل عامهای یکساله گذشته را خوبی بیاد داریم.

پس از کودتای ۲۸ مرداد اولین برنامه امپریالیسم و ارتجاع این بود که ارتش را بکلی از عناصر ملی تصفیه کند. سازمانهای جاسوسی امریکا و انگلیس با کمک رکن دوم ارتش این هدف را عملی کردند. با انعقاد قرارداد نظامی بین امریکا و رژیم شاه، سیل مستشاران نظامی امریکا بسوی ایران سرازیر شد. پس از آنکه رژیم شاه به عضویت پیمان بغداد (که بعد بصورت سنتو جدید سازمان یافت) درآمد، ارتش ایران به یک ارتش وابسته به امپریالیسم در جهت سرکوبی خلقها تبدیل شد. تجدید سازمان ارتش بر طبق اصول سازماندهی امریکا آغاز شد. آموزش افسران و درجه داران ایرانی تحت نظارت و کنترل مستشاران امریکائی، اسرائیلی و انگلیسی قرار گرفت تربیت و آموزش این ارتش که وظیفه اش پاسداری از منافع امپریالیسم و ارتجاع داخلی بود، هر چه بیشتر بر طبق رعایت اصل اطاعت کورکورانه مبتنی گردید. فرمانبرداری بی چون و چرای زیر دست، از فرماندهان تصابی، به مجرد آمدن انضباط شدید و خشک که جلو هرگونه ابتکار و خلاقیت را میگرفت، همه برای این بود که هیچکس قدرت نفس کشیدن و انتقاد کردن نداشته باشد. به هر حال، وابستگی سازمانی و آموزشی ارتش کاملاً عملی شده، ارتش ضد خلقی رژیم پیشین یکی از ارتشهایی است که نمونه کامل وابستگی نهجی و نظامی را در آن میتوان دید. امپریالیسم امریکایی که بخصوص در سالهای اخیر نقش ژاندارم منطقه را بعهده ایران گذاشته بود و ارتش ضد خلقی میخواست که خلقهای منطقه را از جمله خلق ظفار و فلسطین را سرکوب کند، این ارتش را به پیشرفته ترین و پیچیده ترین سلاحهای تهاجمی مجهز کرد. انواع رادارهای پیچیده، تازه ترین نوع هواپیماها از جمله فانتومهای شکاری F-14 که مجهز به دستگاههای پیچیده الکترونیکی هستند، رادارهای پرنده، پیشرفته ترین نوع تانکها، نظیر چیفتن، رزمناوها، سیستم مخابراتی و جاسوسی بسیار پیچیده، نمونه های از این سلاحها هستند. آیدر شرایطی که تمام هواپیماهای جنگی و هلیکوپترهای نیروی هوایی ساخت امریکا هستند و خلبانان و تکنسینها دقیقاً در رابطه با این هواپیماها و هلیکوپترها آموزش دیده اند نیروی هوایی میتواند، با سازمان و تجهیزات کنونی خود بکلی وابستگی اش را به امریکا از بین ببرد؟ نظری به واحدهای زرهی بیفکنیم، تانکهای M47, M60 از امریکا و تانکهای مدرن چیفتن با سیستم پیچیده خود از انگلستان تهیه میشود. در واحدهای دیگر نیز از حیث وابستگی سلاحهای جنگی چنین وضعی حاکم است. خلاصه آيا ارتشی که از ساده ترین تا پیچیده ترین وسایل و تجهیزات آنرا امپریالیسم و بخصوص امریکات تهیه میکند، و در آن انتخاب افراد برای پستهای فرماندهی از روی میزان وفاداریشان به امریکا و رژیم خائن شاه صورت میگرفت، و اصول انضباطی و سلسله مراتب خشک و بی انعطاف حاکم بود، میتواند بدون تغییر اساسی در ساخت کنونی آن و در سازمان، سیستم آموزشی نوع سلاحها و تجهیزات، قید و بندهای وابستگی را از بین ببرد؟ از هر جهت که در نظر بگیریم ارتش در یک شبکه وسیع وابستگی قرار گرفته است. ما هشدار میدهم که با احیاء ارتش ضد خلقی، یعنی همان ارتشی که امپریالیسم امریکا مستقیماً و یا غیر مستقیم بر آن نظارت و یا کنترل داشته است و با جابجا کردن مهره ها، باز هم ما به سلاحهای امریکائی، قطعات یدکی این سلاحها، سازماندهی و آموزش، و مستشاران کشورهای امپریالیست نیاز خواهیم داشت. ارتشی که در دوران رژیم پیشین استحکام یافته ماهیت ضد خلقی، تجاوزکار و وابسته است. اگر این ارتش بکلی منحل نشود و مجدداً احیاء شود، وابستگی آن به امپریالیسم همچنان باقی خواهد ماند. ارتش ما نباید آنچنان سلاحهای پیچیده تهاجمی داشته باشد که حضور مستشاران امریکائی هم الزامی باشد. ما به ارتشی از خود خلق نیاز داریم که دفاع از منافع مردم را بر عهده گیرد و سلاحهای لازم داریم که بدون مستشاران امریکائی بتوان آموزش و استفاده از آنها را عهده دار شد.

تاریخ نشان داده است ارتشهای ضد خلقی حتی اگر به پیچیده ترین سلاحها مجهز باشند، نمیتوانند از مرزهای کشور و منافع مردم دفاع کنند، چون به خلق متکی نیستند و حمایت آنها را در پشت سر خود ندارند. اما ارتشهای خلقی که از خود مردم تشکیل شده اند و از حمایت بی دریغ خلق برخوردارند، حتی با سلاحهای بسیار ساده توانسته اند دشمنان نیرومندی چون امریکارا بنور آورند. دفاع از منافع مردم احتیاج به مستشاران خارجی ندارد

وعده های....

" ما در درجه اول کار می خواهیم مانا کار نداشته باشیم شکمان گرسنه است اما ما وقتی کار پیدا کنیم باید تامین داشته باشیم "

نماینده دیگری گفت: " از جانب دولت طرحی جهت دادن وام ارائه شده اما این طرح نواقص زیادی دارد. برای دادن وام شروطی گذاشته اند. مثل بیمه بودن، داشتن کارت کارگری، معرفی نامه از طرف کارفرما و... خیلی از ماها، این شروط را نداریم اکثر کارگران بیمه نیستند، اغلب آنها کارت کارگری ندارند، معرفی از کارفرما هم عملی نیست، چون کارفرما فرار کرده است. با این

گرانی مواد غذایی و خانه و چیزهای دیگر چگونه میتوانیم گذران کنیم. "

اوسپس گفت: " شاه خیانتکار بود ولی باز همان قانون شاه خیانتکار را اجرا میکنند. "

نماینده کارگران به تو خالی بودن وعده های اولیاء وزارت کار اشاره کرده و به بی تفاوتی وزارت کار در مقابل خواستهای کارگران ناخسته و تاکید کرد که ماحق خود را با پشت میگیریم.

پس از سخنان کارگران نماینده وزارت کار در جلسه کرد و گفت:

" ما وارث اقتصادی ورشکسته هستیم. شما باید تا تشکیل دولت جدید صبر کنید. " در این هنگام فریاد کارگران بلند شد که " ما گرسنه هستیم گرسنه هستیم. "

چون تا ساعت ۲ بعد از ظهر جوابی به کارگران داده نشد کارگران تصمیم گرفتند تا گرفتن جواب قطعی در مورد حقوق بیکاری، در محل وزارت کار متحصن شوند.

کارگران از خود مامورین انتظامات تعیین کرده بودند که تمام امور را با نظم کامل اداره میکردند.

طرح پیشنهادی کارگران حقوق ماهیانه برای یک فرد مجرد ۹۰۰۰ ریال. حقوق ماهیانه برای یک فرد و همسرش ۱۲۰۰۰ ریال. به ازای هر اولاد باید به حقوق بالا ۹۰۰ ریال اضافه شود.

حمله عناصر مرتجع به....

وحشت سدره مبارزه مردم کردند، محکوم نموده است. بیانیه فوق همچنین تاکید دارد که این آشوبها تلافی جویانه بوده و درست عرصه همان روزی صورت گرفته است که زنان سندج بخاطر مخالفت با سانسور و اختناق و نابرابری حقوق زن و مرد دست به تظاهرات و راه پیمائی زده بودند. خلاصه ای از این بیانیه به شرح زیر است:

خلقهای رزمنده ایران! ما هشدار دادیم که توطئه های بر علیه خلق و رزمندگان وفادار به خلق وجود دارد. دستهای پلید در کارند تا مبارزه خلق را به انحراف بکشاند و به ارتجاع و امپریالیسم اجازه باز سازی و تجدید قوا دهند.

یکشنبه شب گذشته در سندج وعده های مسلح به کارخانه پوشاک سندج که اکثر کارگران آن زن هستند صورت گرفت که با تیراندازی متقابل نگهبانان شجاع کارخانه پوشاک به آنان پاسخ داده شد. همزمان با این عمل در خیابان ۲۲ بهمن (شاپور سابق) نیز صدای انفجار و رگبار گلوله بلند شد و وعده های مسلح به ساختمان خوابگاه بهیاران سندج حمله نمودند. و دیوار خوابگاه را به گلوله بستند. این یورشهای بیشرمانه به محل کار و زندگی زنان، گویا پاسخی است به تظاهرات سه هزار نفری زنان مبارز سندج که عصر همان روز همراه با

ویا به محل کار زنان حمله نمایند، دیگر زن جرات فکر کردن و مبارزه کردن را نخواهد داشت. این برداشتی احمقانه است. ما این دسیسه ها و یورشها را مخالفت با مبارزات آزادی خواهانه زنان دانسته و معتقدیم عوامل ارتجاع با دامن زدن به ناامنی و تفرقه افکنی میخواهند زمینه را برای فعالیت مجدد امپریالیسم و ارتجاع هموار سازند.

« اخبار خارجی » تظاهرات قهرآمیز کارگران ذوب فلز فرانسه

لوموند - ۱۸ اسفند. کشمکش چندین ماهه کارگران ذوب فلز فرانسه از یک سو و کارفرمایان و دولت فرانسه از سوی دیگر بالاخره به درگیری خشونت آمیز منجر شد. کارگران ذوب فلز فرانسه از ماهها پیش بعلت اخراجهای دسته جمعی دست به اعتراض و اعتصاب زدند. که روز پنجشنبه ۱۷ اسفند با درگیری قهرآمیز پلیس به اوج خود رسید. کارگران ذوب فلز که از اخراج و بیکاری و بی تفاوتی مقامات دولتی به خشم آمده بودند، اینبار به شکلی خشن و مسلحانه دست به اعتراض زدند. هزاران کارگر ذوب فلز در نزدیکی یکی از قرارگاههای پلیس مجهز به کلاه خود و میله های فلزی به حرکت درآمدند و برای مقابله با پلیس سنگرهای خیابانی برافراشتند و تومیلهای

بیکاری دیگر بس است

شروع شد و شرکت نیروهای وابسته به جناح چپ فرانسه، در تظاهرات محسوس بود. راه پیمایان در حالیکه پرچمهای سرخ در دست داشتند و سرود " انترناسیونال " و سرود ملی فرانسه را میخواندند در زیر برف و باران سنگین باشعارهایی نظیر " اروپائی که بیکاری در آن بیداد میکند، نمیخواهیم. " و " بیکاری دیگر بس است " و " پلیسهای فاشیست " در خیابانهای شهر رژه رفتند. مغازه داران شهر به نشانه همبستگی با تظاهر کنندگان مغازه های خود را تعطیل کردند. در پی این تظاهرات مسالمت آمیز که هدفش بیان اضطراب عمومی از بیکاری و بحران اقتصادی بود، این سؤال مطرح میشود که آیا فردا اینگونه تظاهرات به قیام مسلحانه کارگران تبدیل خواهد شد؟

تظاهرات ۲۰۰۰۰ کارگر در شهر "دون" فرانسه.

لوموند - ۲۰ اسفند. بدنبال تظاهرات قهرآمیز روز پنجشنبه گذشته، شب ۱۹ اسفند تظاهرات عظیمی از سوی کارگران کارخانجات ذوب فلز فرانسه به منظور اعتراض به خشونت پلیس و جلوگیری از اخراج کارگران برگزار شد. این تظاهرات از میدان مرکزی شهر

عفو عمومی عیدی به ضد انقلاب است

طبق اظهارات سخنگوی دولت موقت، نانوروز فرمان عفو عمومی صادر میشود و دست عدالت از تعقیب و محازات جنایتکاران، آدمکشان و غارتگران رژیم سابق کوتاه نمیکرد. عجیب است که سخنگوی دولت این دشمنی آشکارا به انقلاب "عیدی به ملت ایران" وانمود کرده است.

هم میهنان مبارز!

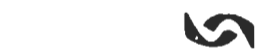
در حالیکه هنوز خون دهها هزار شهیدی که در راه آرمان خلقیهای ستمدیده ایران جان خود را فدا کردهاند، از دیوارها و سنگفرش خیابانها پاک نشده است، در حالیکه اکثریت جنایتکاران و مزدوران خونخوار رژیم سابق به رهبری سازمان سیا متشکل شده و با گستاخی در حال تدارک ضد انقلاب هستند، در حالیکه بنابه اعتراف خود دولت، ماموران ساواک و سایر مزدوران مسلح، متعول کشتار مردم و بوطئه علیه انقلاب هستند، فرمان عفو عمومی چه مفهومی دارد؟ آیا فرمان عفو عمومی عیدی به دشمنان ملت ایران نیست؟ آیا عفو جنایتکاران به معنی بازگذاشتن دست مزدوران و جاسوسان در امر بوطئه علیه خلقهای ایران نیست؟ ما عفو جنایتکارانی را که در گذشته به کشتار و جباول خلقهای ستمدیده ایران مشغول بوده و اینک نیز به دستور امیرالیزم و دستگاههای جاسوسی آن بد بوطئه و دسیسه بر علیه مردم ایران مشغولند، دشمنی با مردم و خیانت به انقلاب میدانیم و معتقدیم که عفو جنایتکاران زسیه را برای سلطه دوباره دشمنان سوگند خورده ایران هموار میکند. از این رویه دولت همدارمیدیم که به منافع ملت ستمدیده ایران توجه کند و در مقابل تبلیغات محافل امیرالیستی که میکوشند مزدوران و سرسیردگان خود را از مجازات برهانند تا دوباره از آنان برای حفظ منافع خویش استفاده کنند، تسلیم نشود.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۵۷/۱۱/۲۷

((خواستهای خلق کرد))

۱- مابرایم که زحمتکشان ایران سهم اساسی را در انقلاب ایران ادا کردهاند و به همین دلیل حق مسلم زحمتکشان و کارگران و دهقانان است که در دولت انقلابی شرکت داشته باشند.
۲- مابرایم که زحمتکشان ایران از عقب افتاده ترین مناطق ایران است. بنابراین رفع ستم اقتصادی یکی از خواستهای اساسی است.
۳- همه پادگانها در کردستان باید تحت نظر شوراهای انقلابی اداره شود. بدین منظور یک کمیته مشترک نظامی از افسران میهن پرست و نمایندگان شوراهای انقلابی تشکیل گردد.
۴- افسران جنایتکار که دستورات تیراندازی داده و موجب شهادت فرزندان خلق شده اند باید تحویل دادگاه انقلابی خلق گرد بشوند و بنظر تبدیل ارتش ارتجاعی به ارتش خلقی بایدارتش از عناصر

نمایندگان شوراهای انقلابی اعزامی از شهرهای کردستان ایران درگردهمایی ۳۰ بهمن در شهر مهاباد مواد زیر را که خلاصه ای از خواستهای اساسی خلق کرد در مقطع زمانی کنونی میباشد بصورت قطعنامه ای در ۸ ماده به نمایندگان حکومت موقت انقلاب اسلامی ایران تسلیم داشتند.
۱- خلق کرد همراه و همگام با سایر خلقهای ایران انقلاب ایران را تأیید مینماید و تصمیم دارد با تحکیم پیوند مبارزاتی با سایر خلقهای ایران در ایجاد جامعه آزاد و آباد آینده نقش اساسی ایفا کند.
۲- خلق کرد مانند سایر خلقهای ایران خواهان رفع ستم ملی و تأمین حق تعیین سرنوشت خود بصورت "فدراتیو" در چهارچوب کشور ایران میباشد و هرگونه اتهام تجزیه طلبی وارد میکند و از دولت موقت آرای بازگان میخواهد که موضع خود را در مقابل این خواست رسماً اعلام دارد.



آقای قطب زاده این امضای شما نیست!

ممنوع کارکنان چاپ شهر به رادیو تلویزیون رسیده و به شرح زیر با نامور شده است:
در سطر اول عبارت "فدائیان، مجاهدین، سرداران پیشتاز و دلیر" خط خورده و در سطر هفتم به جای واژه "خلقهای" واژه "مردم" نوشته شده است!



((کارگران ضد انقلابی نیستند))

میکند، احساس خطر کرده اند. و از اقدامات ناطع کارگران در کارخانه هابه وحشت افتاده اند. مگر ما نمیدانیم که صنایع ما تماما وابسته به صنایع کشورهای امیرالیستی بوده و بی هیچوجه مستقل و ملی نبوده است؟ مگر عراز این است که اگر بخواهیم سلطه و نفوذ امیرالیزم را قطع کنیم باید در قدم اول همین صنایع را ملی اعلام کنیم؟ پس چرا وقتی کارگران ما با اسکار و خلافت در بعضی از واحدهای نوآبادی، شوراهای کارگری ایجاد میکنند و میخواهند آنتی پارلی اعلام کنند، بادر کار تولید نظارت و کنترل دارند؟ آنها را ضد انقلابی میدانند؟ آیا دفاع از این سرمایه دارهای وابسته، برای دفاع از صنایع امیرالیست و تلاش برای غنای سلطه امیرالیست نیست؟ ما فضاوت درباره اظهارات آقای امیرالیزم را به عهده خود مردم و کارگران میگذاریم.

بقیه از صفحه اول
این همداری است به خلق و آنها که هزاران شهید داده اند تا دست امیرالیزم و ارتجاع را کوتاه کنند. هنوز خونهای کارگران که بر زمین ریخته خشک نشده است، که حمله به دساوردهای انقلاب آغاز میشود و کارگران را ضد انقلابی مینامند. برآستی آیا کارگرانیکه شربت جامعه نیجه زحمت آنهاست، کارگرانیکه بدون کار آنها خرچهای مملکت از حرکت باز می ایستد، ضد انقلابی نیستند؟ مگر کارگران نیستند که صنعت عظیم نفت را با بازوان نیرومند خود اداره میکنند؟ همین کارگران بودند که با اعصاب خود خود ضربه قطعی را بر سر رژیم سابق وارد آوردند و سلاح بدست برای واژگون کردن آن جنگیدند. چه شده است که اکنون آنها را ضد انقلابی خطاب میکنند؟ دلیل آن بسیار روشن است. عناصر سازشکار، آنها نیک از صنایع سرمایه داران وابسته دفاع

اخبار سیمای ایران
درود بر رهبری قاطعانه امام خمینی
فدائیان، مجاهدین، سرداران پیشتاز و دلیر
کارگران، بهراندان مقاوم رادیو تلویزیون ملی ایران بازت به حق شما را خانه ی خود شاد باشم گوئیم. ما همواره با قلبی و با اوج گیسوی مبارزه حق طلبانه ی خلق های ستم دیده، با دست قدم و قلممان در صفا ما بوده ایم و تا صحرای استبداد هم عهدی هم قسم با شما خواهیم کرد. امروز بار درفش پیروزان خطی مبارز ایران درود به روان پاک شهید اسلام بر همه ی جوانان دلیر و بهکار جو، در احتزاز با پرچم گلگون حق و آزادی

گرامی مداریم.
درود به همه شهیدای بدخون ضد خلقی
ریشه کن باد استبداد و ارتجاع عامل تمدن سیرکوب
جنس خلق
برفرار باد حاکمیت خلق
(برسنل انقلابی نیروهای مسلح)
سینه ۵۷/۱۲/۲۶

اتهام تجزیه طلبی بهانه ای برای پایمال کردن حقوق خلق کرد است